خبرها

کنسرت آهنگ‌های سنتی عروسی ایران در اسپانیا

ایرنا: موزه ملی انسان‌شناسی اسپانیا، روز شنبه یک کنسرت موسیقی سنتی ایران با عنوان «آوازهای عروسی پارسی» در مادرید برگزار کرد. این کنسرت با هنرنمایی «شهریار زرین‌پنجه» و «حمید سیخوانی» دو هنرمند ایرانی مقیم اسپانیا به همت موزه ملی انسان‌شناسی وابسته به وزارت فرهنگ این کشور اروپایی برگزار شد. موزه یاد شده در اطلاعیه‌اش، فرهنگ موسیقی ایران و ارتباط آن را با پیوند زناشویی بسیار محکم و غنی دانسته و آوازهای سنتی ایرانی را در جشن ازدواج به ویژه با استفاده از «سنتور» و «تمبک»، شنیدنی و بی‌همتا توصیف کرده است. کنسرت یادشده به صورت رایگان در محل موزه ملی انسان‌شناسی واقع در شماره ۶۸ خیابان «آلفونسو دوسه» مادرید برگزار شد. این چندمین کنسرت موسیقی پارسی است که در کمتر از یک ماه اخیر به مناسبت آغاز سال نو ایرانی توسط گروه‌های هنری مختلف در مادرید و دیگر شهرهای اسپانیا به اجرا درمی‌آید.

محمدرضا لطفی همنوازی نمی‌کند

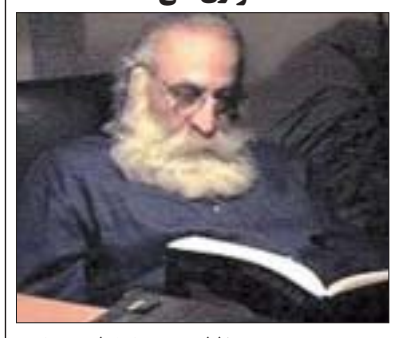

مهر: کنسرت محمدرضا لطفی در شیراز قطعیت ندارد و در صورت اجرا، او همنوازی نخواهند داشت. در پی اعلام کنسرت موسیقی «محمدرضا لطفی» نوازنده تار و کمانچه و آهنگساز برجسته ایرانی و «کیهان کلهر» نوازنده کمانچه و آهنگساز در اردیبهشت ماه امسال در دانشگاه شیراز از سوی برخی از اعضای کانون موسیقی این دانشگاه، در پی اعتراض لطفی و کلهر مبنی بر قطعی نبودن این برنامه کانون موسیقی دانشگاه شیراز اعلام کرد: در اردیبهشت ماه امسال و در قالب نشست مجمع موسیقی دانشجویان کشور، دانشگاه شیراز میزبان دبیران کانون‌های موسیقی دانشگاه‌های کشور خواهد بود. تنها برنامه‌ای که در این زمینه قطعی شده است، حضور گروه موسیقی ایرانی خورشید به سرپرستی مجید درخشانی است. صحبت‌های مقدماتی مبنی بر حضور استاد لطفی صورت گرفته است که البته هنوز موافقت ایشان در این زمینه اعلام نشده است. ضمن اینکه همنوازی استاد لطفی با دیگر هنرمندان موسیقی ایران صحت ندارد.

بیتلز اپل را به دادگاه کشاند

بی‌بی‌سی: اپل، شرکت متولی پخش آثار گروه بیتلز، شرکت رایانه‌ای اپل مکینتاش را به دلیل استفاده از نام و آرم اپل (سیب) برای عرضه محصولات موسیقی به دادگاه عالی لندن کشانده است. شرکت ضبط و پخش آثار بیتلز که در لندن مستقر است، اپل مکینتاش را به نقض توافقی که سال ۱۹۹۱ میان دو شرکت صورت گرفته و به موجب آن شرکت رایانه‌ای اپل از ورود به بازار موسیقی منع شده بود، متهم ساخته است. شرکت رایانه‌ای اپل سال ۲۰۰۳ فروشگاه مجازی موسیقی موسوم به ای تیونز را راه‌اندازی کرده که اینک پیشگام بازار موسیقی در اینترنت است. شرکت اپل متعلق به بیتلز خواستار تثبیت توافق ۱۹۹۱ و پرداخت خسارت‌های وارده از سوی اپل مکینتاش است. شرکت اپل به ستارگان سابق بیتلز پل مک کارتنی، رینگو استار و بیوه‌های جان لنون و جورج هریسون تعلق دارد و در سال ۱۹۶۸ پایه‌گذاری شده است. این شرکت که در سال ۱۹۷۶ تاسیس شده، با عرضه رایانه‌های خانگی‌اش، پیشگام صنعت رایانه‌های شخصی محسوب می‌شود. روزانه حدود سه میلیون قطعه موسیقی از طریق فروشگاه ای تیونز بر روی رایانه‌ها پیاده می‌شوند. قطعات موسیقی متعلق به بیتلز مجوز فروش اینترنتی ندارند و در این فروشگاه عرضه نمی‌شوند.

موسیقی باید از طریق آموزش آکادمیک منتقل شود

مهر: موسیقی یک علم خاص است که باید از طریق آموزش آکادمیک منتقل شود. حاتم عسگری مدرس آواز ایرانی با بیان این مطلب افزود: این معضل که می‌توانست با تاسیس رشته موسیقی حل شود، عکس این راه را پیمود و مدرک گرایی موجب متزلزل شدن موسیقی شد. قبل از به‌وجود آمدن این رشته اساتید باید با همت والای خود، شاگردان بااستعداد و توانمند را به جامعه موسیقی معرفی می‌کردند. عسگری با اشاره به اینکه سه مرکز موسیقی آکادمیک در حال حاضر مشغول به فعالیت هستند، گفت: اگر به مدیران این سه دانشگاه دقت کنید، درمی‌یابید که هیچ‌کدام با موسیقی ایرانی آشنا نیستند. این مدرس آواز در ادامه افزود: متولیان هنر کشور می‌توانند با به‌کارگیری افراد باسواد و صاحبنظر طی برنامه‌ای بلندمدت آسیب‌های این حوزه را برطرف کنند و آن را در مسیری رو به جلو قرار دهند. ما بهترین شعر و موسیقی دنیا را داریم و نباید اجازه بدهیم اداره آن دست هر کسی بیفتد. حاتم عسگری با اشاره به نقش موزیسین‌ها در انتقال و ماندگاری موسیقی عنوان کرد: موزیسین‌ها باید ضمن آشنایی کامل با تاریخ، فرهنگ، ادبیات و موسیقی کشورمان برای خود و مخاطبان ارزش قائل باشند.

گزارشی درباره آهنگسازی فیلم در ایران

جایی در دوردست

سما بابایی

از زمان سینما توغراف یا سینمای «صامت» و «ساکت» که صدایی بر روی آثار تصویری شنیده نمی‌شد، فیلمسازان چنان به قدرت موسیقی در بیان احساسات فیلم به مخاطب واقف بودند که هنرمندان عرصه موسیقی به اجرای زنده آهنگ‌ها می‌پرداختند و بر کیفیت، هیجان و جذابیت در طول نمایش فیلم می‌افزودند، اتفاقی که هم‌اکنون تا حدودی در تئاتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

افتتاح جامعه «باربد» توسط اسماعیل مهرتاش باعث شد تا نمایش موزیکال «لیلی و مجنون» به عنوان اولین نمایش موزیکال ایران روی صحنه برود، بنابراین می‌توان گفت که مهرتاش با موزیک‌هایی که بر روی نمایش‌هایش می‌نوشت نخستین کسی بود که زمینه اولین برخورد مردم با موسیقی و نمایش را به‌طور هم‌زمان به‌وجود آورد.

در دوران کلاسیک هنر هفتم آهنگسازان تلویزیون و سینما از جمله بااستعدادترین و ماهرترین موسیقیدانانی بودند که فعالیت می‌کردند، در همین زمان و البته دیرتر در ایران «علی وکیلی» صاحب گراندسینما برای رونق بخشیدن به فیلم‌هایی که در این سالن نمایش می‌داد از یک گروه کوچک موسیقی بهره می‌برد که قبل از شروع نمایش فیلم و در فاصله تعویض پرده‌های فیلم، موسیقی می‌نواختند.

اما متاسفانه هم اکنون قسمت اعظمی از این حیطه توسط سینتی‌سایزرها به‌شدت مورد تهاجم قرار گرفته و آهنگسازان واقعی عرصه را ترک کرده‌اند.

موسیقی در فیلم در صورت استفاده درست و مناسب می‌تواند نقش مهمی در برقراری ارتباط مخاطب با فیلم داشته باشد و حس لازم را به بیننده منتقل کند و تاثیری را که مدنظر فیلمساز بوده است تا حد زیادی افزایش دهد، زیرا مخاطب را به لایه‌های زیرین فیلم راهنمایی می‌کند، با این شرایط چنانچه درست به کار گرفته نشود، می‌تواند مفاهیم فیلم را عوض کند.

«پیمان یزدانیان» که از آخرین ساخته‌هایش می‌توان به موسیقی فیلم «چهارشنبه سوری» به کارگردانی «اصغر فرهادی» و «جایی در دوردست» اثر «خسرو معصومی» اشاره کرد، پیش از این موسیقی «رسم عاشق‌کشی» را هم ساخته بود. یزدانیان در هر دو فیلم از سازبندی کلاسیک بهره برده است و از سازهایی چون کلارینت، باس و ابوا و . . . به همراه گروه زهی و پیانو استفاده کرده است که این اقدام او را می‌توان از نظر دید رئالیستی که در فیلم وجود دارد و تلاش فیلمساز برای روایت مستندگونه اثر قلمداد کرد. استفاده از موسیقی در این فیلم کاملاً حساب‌شده است و موسیقی تنها زمانی حضور دارد که بهانه‌ای برای ورود داشته باشد اما آن را نیز باید در جهت اهداف فیلم تلقی کرد در غیر این صورت موسیقی صدایی خارجی محسوب می‌شده است. او از همین سیاست در ساخت موسیقی چهارشنبه سوری نیز بهره برده است، ضمن آنکه موسیقی تعلیق در این فیلم به خوبی مشهود است. یزدانیان خود در این باره می‌گوید: «موسیقی باید مانند سایر صداهای فیلم از داخل شنیده شود به همین علت من با کارگردان بحث‌های زیادی کرده و ابتدا موسیقی را اتود کردیم اما متوجه شدیم که اگر موسیقی به این شکل در فیلم قرار بگیرد می‌تواند مفهوم فیلم را عوض کند. در نتیجه از موسیقی فقط به شکل بسیار محدود و خاصی بهره بردیم اما این مشکلات در «جایی در دوردست» کمتر بود، چون من قبلاً نیز با کارگردان این فیلم کار کرده و بنابراین به ایده‌های او نزدیک بودم، ضمن آنکه موسیقی این فیلم را برای خودم به عنوان یک تریلوژی در نظر گرفته‌ام که نام آن را سه‌گانه عشق، خون و برف گذاشته‌ام. موسیقی این فیلم اگر چه کاملاً متفاوت از فیلم قبلی است اما المان‌های مشترکی با یکدیگر دارند، البته این بدان معنا نیست که ما از سازبندی یکسانی استفاده کرده‌ایم بلکه سازبندی را در جاهایی حفظ و در جاهایی هم تغییر دادیم. به طور کلی می‌توان گفت در ساخت موسیقی این فیلم یک نوع تفکر «مینی‌مالیسم» وجود داشته است و از همین رو از آنسامبل‌های کوچکتر استفاده شده است، ضمن آنکه یک نوع سادگی و در عین حال تاثیرگذاری در موسیقی فیلم دیده می‌شود.»

■ سواد عوامانه

بدیهی است کارگردان به عنوان عاملی که مهم‌ترین اهرم ساخت و شکل‌گیری یک فیلم است باید به تمام ساختارهای یک فیلم آشنا باشد. به همین دلیل است که برترین عوامل یک فیلم مانند صدابردار، فیلمبردار و . . . هر چه خود حرفه‌ای باشند در نهایت باید مثلاً جهت و حرکت دوربین یا چهره‌ای را که گریم کرده‌اند با کارگردانان هماهنگ کنند. این اتفاق متاسفانه کمتر در مورد موسیقی یک فیلم می‌افتد. اکثر قریب به اتفاق کارگردانان ایرانی اطلاعات چندانی از موسیقی نداشته و اطلاعاتشان در حد عوام است. این مشکل زمانی مضاعف می‌شود که این دسته از کارگردانان بر این نقص صحه نگذاشته و می‌خواهند تا نظرات خود را به آهنگساز تحمیل کنند.

پیمان یزدانیان در این باره می‌گوید: «طبیعی است که یک کارگردان به اندازه آهنگساز موسیقی نداند، ضمن آنکه موسیقی هنری انتزاعی است، اگر کارگردانی موسیقی نداند، اما بتواند با آهنگساز ارتباط فکری برقرار کند با هیچ مشکلی مواجه نخواهد شد. مشکل زمانی رخ می‌دهد که کارگردان نداند که از موسیقی چه انتظاری دارد.»

«بهرام دهقانیار» اما در این باره نظر دیگری دارد، او که تاکنون موسیقی بالغ بر ۲۸-۲۷ فیلم سینمایی و به همین تعداد سریال را ساخته است و «خانه مادربزرگه» به کارگردانی «مرضیه برومند» و سریال‌های هتل مروارید، شب‌های بره، همسران، خانه سبز و فیلم‌های «رازها»، «شاخ گاو»، «آیینه»، «عشق شیشه‌ای»، «پدرسالار» و . . . از جمله کارهای اوست، در این باره می‌گوید: «کار کردن با کارگردانی که موسیقی را بشناسد و کاربرد آن را تشخیص دهد، خیلی راحت است اما متاسفانه کارگردانان قدیمی با اینکه مبانی تصویر را به خوبی می‌شناسند اما درباره موسیقی اطلاعات چندانی ندارند و این بزرگ‌ترین مشکل آهنگسازان است، چون بسیاری از آهنگسازان خود را با جدیدترین متد آموزشی هماهنگ کرده‌اند، اما بعضی از کارگردانان از آنان می‌خواهند تا از سبک‌هایی که دیگر به هیچ عنوان مرسوم نیست استفاده کنند. مشکل اینجاست که کارگردانان جوان هم با این مشکل مواجه اند.»

او ادامه می‌دهد: «کارگردانانی که از موسیقی چیزی نمی‌دانند، می‌توانند از مشاور استفاده کنند و یا شناخت خود از موسیقی را بالا ببرند.»

رامین بهنا سازنده موسیقی کارهایی چون آهوی ماه نهم، دوران سرکشی، نسل سوخته نیز در این باره چنین اظهارنظر می‌کند: «متاسفانه کمتر کارگردان ایرانی است که موسیقی بشناسد و به همین خاطر است که آنان حرف موزیسین‌ها را نمی‌فهمند و به آهنگساز بین سایر عوامل کمترین وقت را برای کار کردن می‌دهند، یعنی یک هفته تا ده روز مانده به زمانی که فیلم برای حضور در جشنواره فرصت دارد از آهنگساز خواسته می‌شود تا برای فیلم موسیقی بسازد.»

سامان احتشامی که ساخت موسیقی فیلم‌هایی چون رستگاری در هشت و بیست دقیقه و این ترانه عاشقانه نیست را در پرونده خود دارد، نیز در این باره معتقد است: «هم اکنون تمام کارهای هنری از روی تجربه انجام می‌شود نه از روی تخصص. کارگردانان به دلیل عدم شناخت موسیقی آن قدر با آهنگساز بازی می‌کنند تا آن چه را که از موسیقی دوست دارند به دست بیاورند، آنان اصولاً فقط «لالا لای لای» می‌خواهند و باید هزار مدل برایشان اجرا کنی تا دوست داشته باشند. از همه بدتر آن است که خودشان هم نمی‌دانند چه دوست دارند و نمی‌توانند بگویند از موسیقی چه می‌خواهیم. بنابراین موسیقی همیشه سلیقه‌ای ضبط شده و هیچ حساب و کتابی در ساخت موسیقی فیلم وجود ندارد. بدبختانه ممکن است یک موسیقی مورد قبول کارگردان باشد اما تهیه‌کننده خوشش نیاید. وای به روزی که کارگردان یا تهیه‌کننده از صدایی خوششان نیاید. باید دوباره بروی استودیو و مثلاً از صدای «ویولن» صدای بوق در آوری والا از دستمزد خبری نیست. همه اینها باعث بد شدن کار می‌شود.»

او اضافه می‌کند: در سینمای دنیا سال‌ها وقت صرف می‌شود تا تنها ماکت فیلمی ساخته شود و همه عواملی که قرار است با هم همکاری داشته باشند به توافقی جامع و کامل می‌رسند و سپس طبق نقشه کار می‌کنند نه اینکه فیلمی ساخته شود و تازه بر روی موسیقی‌اش فکر شود، اینها به خاطر عدم اطلاع کارگردان و تهیه‌کننده است و هر کسی هر کاری که دوست دارد انجام می‌دهد.

احتشامی ادامه می‌دهد: کارگردان باید این مسئله را بداند که ساخت موسیقی فیلم نیاز به مشاوره و هم‌صحبتی عوامل دارد در صورتی که آنان همیشه فیلم را تدوین شده در اختیار آهنگساز قرار می‌دهند و در انتها آهنگساز بیچاره با فیلمی می‌ماند که زمان کافی برای ساخت موسیقی آن را ندارد به‌خصوص آنکه ساخت آهنگ با حالت‌های مختلف روی صحنه به صحنه یک فیلم غیرسلامت بسیار مشکل است و طبیعی است که نتیجه کار چندان خوب در نمی‌آید، متاسفانه تک‌گرایی در این مقوله زیاد است، تهیه‌کننده‌ها کارگردانان را قبول ندارند، کارگردان با عواملش خوب نیست، بدقولی‌های فراوان، ناراحت شدن و نازکردن عوامل و تدارکات یک فیلم همه باعث خرابی ماجرا می‌شوند و هیچ کس کاری را که بلد است نمی‌تواند انجام دهد.

■ عدم خلق آثار ماندگار

موسیقی برخی از آثار سینمایی به اندازه‌ای باشکوه و یا تاثیرگذار بوده است که بعد از گذشت چند دهه به اندازه‌ای در ذهن‌ها مانده‌اند که خود تصویر تا آن اندازه ماندگار نشده است. برای مثال برای اولین‌بار در سال ۱۳۴۸ که فیلم «قیصر» به نمایش در آمد موسیقی متن این فیلم بر روی صفحات کوچک گرامافون ضبط و به بازار عرضه شد. موسیقی «رضا موتوری» ساخته «اسفندیار منفردزاده» نیز در زمان خود به یکی از پرفروش‌ترین موسیقی‌های زمانه بدل شد و هنوز هم با اقبال عمومی بسیار خوبی روبه‌رو است. البته در این نمونه خاص صدای خواننده اثر در اقبالش موثر بوده است، موفقیت موسیقی این فیلم به اندازه‌ای بود که کارگردانش «مسعود کیمیایی» در فیلم جدید خود «حکم» بعد از دو دهه سعی کرده تا آن را تکرار کرده و حتی در تبلیغات فیلم نیز به این نکته اشاره داشته است. از نمونه‌های خارجی نیز می‌توان به فیلم «جنگ ستارگان» اشاره کرد که موسیقی «جان ویلیامز» یکی از باشکوه‌ترین قطعات ساخته شده موسیقی فیلم است، اما این تاثیر را در سال‌های اخیر کمتر دیده‌ایم، اگر چه ممکن است قضاوت در این باره کمی زود باشد. «تورج زاهدی» چندی قبل بر روی فیلم خاکستر و پروانه به کارگردانی رهبر قنبری و همچنین محکومان بهشت به کارگردانی حجت‌الله صیفی موسیقی ساخته است. وی در ساخت موسیقی این دو فیلم از صداهای جدیدی که با استفاده از دستگاه‌های خاص تولید می‌شود بهره برده و تنها از سازهای معمولی و یا سینتی‌سایزر استفاده نکرده است. وی که علاوه بر آن از انواع صداهای کوبه‌ای نیز بهره برده است و بنابراین به صدای جدیدی در موسیقی فیلم دست یافته است در این باره می‌گوید: در حال حاضر کمیت بر کیفیت ارجحیت دارد و همین موضوع به آهنگسازی فیلم ضربه وارد کرده است، البته استثنائاتی در این سال‌ها وجود دارد که موسیقی‌شان همچنان در اوج هستند. من معتقدم که موسیقی فیلم در سال‌های اخیر با تمام مشکلاتی که داشته رو به رشد بوده است و باید منتظر خلق آثار جاودانه‌ای بود. دهقانیار نیز می‌گوید: در عین حالی که نباید منکر شد که شرایط حاکم بر فیلم و سریال‌سازی ما طی ده سال گذشته به گونه‌ای نبوده است که بتوان کاری خارق‌العاده انجام داد و در نتیجه به تبع آن ملودی‌ها نیز تاثیرات لازم بر فکر، روح و روان افراد را نداشته‌اند اما باید توجه داشت مرور زمان کمک زیادی به تثبیت موسیقی یک فیلم می‌کند بنابراین باید چند دهه بعد بررسی کرد که آثاری که هم اکنون تولید می‌شوند قدرت آن را دارند تا در حافظه مردم ثبت شوند و یا خیر؟ شاید آثار قدیمی که هم اکنون با چنین استقبالی از طرف مردم مواجه می‌شود در زمان خودشان تا این اندازه محبوب نبوده‌اند، این به خاطر ترکیبی است که هر نسل از خاطرات خود دارد، هر نسل با شنیدن موسیقی‌های خاص خود احساس نوستالژیک می‌کند. با این شرایط باید باز هم منتظر ماند چون تعداد کمی از کارهایی که ساخته شده است این قدرت را دارند که ماندگار شوند. یزدانیان نیز می‌گوید: قضاوت در این باره زود است چون فیلم‌هایی که هم اکنون با موسیقی‌شان شناخته می‌شوند، لااقل دو دهه قبل ساخته شده‌اند و بنابراین باید در دو دهه بعد درباره فیلم‌هایی که هم اکنون ساخته می‌شوند قضاوت کرد، ضمن آنکه شاید برخی از موسیقی‌ها که هم اکنون به عنوان پرونده یک فیلم شناخته می‌شوند در زمان خود اصلاً شناخته نشده بودند مضاف بر اینکه عمر موسیقی بیشتر از فیلم است. از آنجا که شیوه زندگی و یا مثلاً لباس‌ها و خیلی چیزهای دیگر در زندگی عوض می‌شوند و مهم‌تر آنکه تکنیک سینما نیز تغییر می‌کند می‌توان به قدمت یک فیلم پی برد اما موسیقی این خصوصیت را ندارد، البته موسیقی «پاپ» چون برای عموم مردم است از این قاعده مستثنی بوده و مثل «مد» مدام تغییر می‌کند. اما «سامان احتشامی» در این باره چنین می‌گوید: ماندگاری یک اثر هنری و یا غیرهنری به خاطر داشتن روح خوب آن است، ضمن آنکه همیشه انجام کار برای اولین بار انجام شود آن را ماندگار می‌کند که البته در این ماندگاری، زمان و موقعیت جامعه هم نقش دارد، برای مثال نوار «باغ خاطره‌ها»ی من از آنجا که اولین نوار در همراهی پیانو و تنبک بوده هنوز در صدر فروش است. رامین بهنا به نکته دیگری اشاره می‌کند: «موسیقیدانان در ایران به شکل تخصصی کار نمی‌کنند، هر آهنگسازی در یک ژانر قوی‌تر است تا ژانر دیگر. برای مثال یک آهنگساز در کارهای دراماتیک قدرت بیشتری دارد دیگری در فضاسازی‌هایش، آقای فخرالدینی در سبکی متفاوت با «علیقلی» موسیقی می‌سازد، اولین کار آقای علیقلی جزء بهترین کارهایش است یا روبان قرمز کار بسیار خوبی است اما در کارهای دیگرش این موفقیت تا به این اندازه تکرار نمی‌شود چون در حیطه تخصصی خودش کار نمی‌کند.»

■ استفاده هجوآمیز از ترانه

موسیقی فیلم سبک‌های متفاوتی دارد که هر کدام تاثیر خاص خود را دارند، در این میان گاهی آهنگساز به‌خصوص آهنگسازی که در زمینه فیلم‌های اجتماعی فعالیت می‌کند، تصمیم می‌گیرد که با استفاده از ترانه و به مدد کلام تاثیر موسیقی را افزایش دهد، این موضوع به خصوص در فیلم‌های قبل از انقلاب بسیار مرسوم بوده است. در اولین فیلم ناطق ایرانی (دختر لر) کارگردان فیلم عبدالحسین سپنتا، موسیقی و آواز را نیز مورد استفاده قرار داده و از گوشه‌های موسیقی ایران بهره برد. سپنتا در فیلم بعدی خود «شیرین و فرهاد» نیز از ترانه و آواز در فیلم خود استفاده کرد. در آن زمان موسیقیدان به دو شکل از ترانه بهره می‌برد، گاه ترانه از زبان خواننده جاری می‌شد که موفق‌ترین این نمونه را می‌توان در فیلم‌های «محمدعلی فردین» با صدای ایرج دید و گاه خوانندگان مطرح زمان چون فرهاد، فریدون فروغی، دلکش و . . . این وظیفه را انجام می‌دادند. این رسم بعد از انقلاب تا حد زیادی منسوخ شد، اما به نظر می‌رسد که پاره‌ای از آهنگسازان بار دیگر به این سنت روی آورده‌اند. این مسئله را به خصوص می‌توان در سریال‌های تلویزیونی مشاهده کرد.

بهرام دهقانیار با اشاره به اینکه این سبک هم نوعی از موسیقی فیلم است در این باره می‌گوید: مهم‌ترین دلیل استفاده از ترانه در فیلم و سریال‌ها به تمایل بیننده عام برمی‌گردد، اگر چه ممکن است که قشر خاصی با موسیقی به این شکل مشکل داشته باشند، اما چون سینما به عنوان یک هنر سرگرم‌کننده مطرح است، باید به علایق عموم مردم توجه داشته باشد، ضمن آنکه در بسیاری از فیلم‌های دنیا می‌توان استفاده از ترانه‌ای که بخشی از آن در تم فیلم مورد استفاده قرار گرفته است را مشاهده کرد، اما مهم آن است که در استفاده از ترانه به ساختار فیلم توجه شود. وی اضافه می‌کند: بسیاری از کارهایی که همراه با ترانه انجام شد ماندگار و جاودانه شدند که اگر بخواهم تنها به یک نمونه اشاره کنم می‌توانم از «سلطان قلب‌ها» کاری از «انوشیروان روحانی» یاد کنم که بسیار موفق بود، ضمن آنکه در روانشناسی اصلی به نام انعکاس مشروط وجود دارد که وقتی یک پدیده با صدا و تصویر هم‌زمان دریافت شود در ذهن تداعی می‌شود، البته نمی‌توان گفت که هیچ کار موفقی طی این سال‌ها در این رابطه ساخته نشده است بلکه باید دید که چند درصد از فیلم‌ها توانسته‌اند به ترکیب مناسبی از ترانه و ملودی دست پیدا کنند که قابل تکرار نباشد.

دهقانیار در پاسخ به این پرسش که آیا آهنگساز ملزم است تا بسته به نوع فیلم از سازبندی خاصی استفاده کند، می‌گوید: سازبندی در موسیقی مثل رنگ در موسیقی است، همان طور که یک نقاش طرحی را می‌کشد و رنگ‌ها به طرح او هویت می‌دهند، هر سازی در موسیقی نیز نقش خودش را دارد که البته مقدار زیادی از آن به شناخت آهنگساز از رنگ شناسی و ارکستراسیون بستگی دارد و در این میان تکنیک‌های هر آهنگساز در استفاده و ترکیب این سازها در یکدیگر جهت دریافت یک افه خاص صوتی نیز اهمیت دارد. برای رسیدن به یک افه صوتی خاص یک سری سازهای الکترونیک، زنده و آکوستیک را ترکیب می‌کنیم، مثلاً یک نت خاص را هم زمان فلوت و هورن‌ها اجرا می‌کنند و ترکیبی که به دست می‌آید یک رنگ خاص می‌دهد که در موسیقی فیلم از آن استفاده می‌شود. سازها نقش رنگ‌آمیزی نیز دارند و با توجه به شرایط تصویر و هدف نهایی آهنگساز از استفاده از رنگ‌های سازها در هر صحنه و مفهوم فیلم از سازهای خاصی استفاده می‌شود.

وی ادامه می‌دهد: مثلاً اگر فیلمی در حال و هوای محلی است، قطعاً استفاده از سازهای موسیقی نواحی فضای فیلم را بهتر ترسیم می‌کند، البته اگر بخواهیم در این فیلم از سازهای غربی هم استفاده کنیم هیچ مانعی ندارد به شرطی که هدف از استفاده از آن ساز برای موزیسین مشخص باشد. مثلاً در فیلم «آخرین وسوسه مسیح» از افکت‌های الکترونیکی استفاده شده است، در صورتی که داستان فیلم به ۲۰۰۰ سال قبل برمی‌گردد اما موسیقی بر تصویر بسیار خوب نشسته است در صورتی که در نگاه اول به نظر می‌رسد که برای موسیقی این فیلم باید از ارکستر سمفونیک بهره گرفته می‌شد. پس نوع روایت، نگاه و چگونگی استفاده آهنگساز از یک مفهوم واحد فرق می‌کند.

تورج زاهدی این مسئله را اینگونه تحلیل می‌کند: استفاده از ترانه در فیلم باید بسیار هوشمندانه و بر اساس تفکر باشد تا در فیلم نشسته و گذشته از آن تاثیرات عمیقی را نیز ایجاد کند. برای مثال فیلم «رضا موتوری» کار «اسفندیار منفردزاده» و با صدای «فرهاد» و یا استفاده از ترانه‌ای در مایه دشتی در فیلمی به کارگردانی «خسرو پرویزی» با صدای «سیما مافیها» و آهنگسازی «مرتضی حنانه» از هوشمندترین آثاری هستند که با استفاده از ترانه ساخته شده‌اند. این استفاده درست را در نمونه‌هایی در سال‌های اخیر نیز می‌توان مشاهده کرد که از جمله آنان می‌توان به سریال‌های «سربداران» و یا «بوعلی سینا» از ساخته‌های «فرهاد فخرالدینی» و همچنین سریال امیرکبیر با صدای علیرضا افتخاری اشاره کرد. وی می‌افزاید: در سال‌های اخیر نیز مجید انتظامی در سریال ولایت عشق و تنهاترین سردار تجربیات موفقی در این زمینه داشته است. بنابراین این مسئله به خودی خود محل ایراد نیست، اما اگر این مسئله به صورت افراطی مورد استفاده قرار گیرد ناراحت‌کننده است، زیرا سبب دلزدگی می‌شود. پیمان یزدانیان نیز در این باره می‌گوید: آهنگسازان به خاطر موفقیت‌های تجربه‌های قدیمی می‌خواهند به گذشته بازگشت داشته باشند در صورتی که به این نکته توجه نمی‌کنند که بازگشت باید به روح اثر باشد نه به ظواهری که وجود دارد.

■ دروازه‌های باز آهنگسازی فیلم

بسیاری از منتقدان اعتقاد داشتند که یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت فیلمی چون blad trinity موسیقی اعجاب‌انگیز آن است که توسط آهنگساز جوان ایرانی‌الاصلی با نام «رامین جوادی» ساخته شده است. وی در پرونده خود ساخت موسیقی فیلم ماسک ۲ را نیز دارد اما به نظر می‌رسد که ورود جوانان به موسیقی فیلم در ایران بدون هیچ نظم و قاعده خاصی انجام می‌شود و به همین خاطر است که بسیاری از کارگردانان ترجیح می‌دهندتنها با یک سری از آهنگسازانی کار کنند که قبلاً حساب خود را در این زمینه پس داده‌اند. اما این دو دستگی در موسیقی فیلم ورود بی‌حساب و کتاب جوانان از یک طرف و محصوریت در دست آهنگسازان پرسابقه چه تاثیری در روند موسیقی فیلم خواهد گذاشت؟

رامین بهنا در این باره می‌گوید: نمی‌خواهم بگویم که موسیقی فیلم در ایران شکل «باندبازی» به خود گرفته است، اما روابط بیش از هر چیز دیگری در آن حکمفرمایی می‌کند و این در شرایطی است که تعداد آهنگسازانی که قدرت کار در زمینه موسیقی فیلم را دارند، بسیار زیاد است و به همین خاطر است که یک آهنگساز، موسیقی چندین فیلم را در دست دارد اما بقیه بیکارند و از طرفی ممکن است آهنگسازی که در کار خود به اندازه کافی شناخته شود، دیگر دقت لازم را به خرج ندهد.

او درباره ورود بی‌حساب و کتاب آهنگسازان جوان به موسیقی فیلم می‌گوید: این موضوع اگر از روی علاقه و وسواس باشد می‌تواند نقش مثبتی داشته باشد، اما متاسفانه معمولاً ورود جوانان به این حیطه این گونه نیست و بیشتر به خاطر ارتباطاتی است که در این زمینه وجود دارد، از طرفی از آنجا که آهنگسازانی که تجربه کمتری دارند، دستمزد پایین‌تری دریافت می‌کنند، بسیاری از کارگردانان و تهیه‌کنندگان تمایل دارند که با آنان همکاری کنند و طبیعی است که آنان نیز به‌خاطر عدم تبحر کافی در کارشان، وسواس لازم را به خرج نمی‌دهند و در نتیجه سطح کیفی موسیقی فیلم در ایران را پایین می‌آورند، البته این موضوع به این عامل نیز برمی‌گردد که در بسیاری مواقع کارگردانان موزیسین را انتخاب نمی‌کنند بلکه تهیه‌کننده است که آنان را انتخاب می‌کند.

بهرام دهقانیار نیز در این باره می‌گوید: تعدادی از کارگردانان و تهیه‌کنندگان حاضر به ریسک نیستند و ترجیح می‌دهند تا از یک سری افراد مشخص استفاده کنند که اولاً کارشان را از قبل دیده‌اند و ثانیاً حین کار با او دیگر با چالش‌های کاری و روحی مواجه نخواهند شد.

تازه‌ها

ماه عروس

ماه عروس اثری از حمید متبسم سرپرست گروه دستان و با صدای صدیق تعریف با وقفه‌ای نسبتاً طولانی چند روز مانده به آغاز سال ۸۵ از سوی شرکت آواخورشید به بازار آمد. در این اثر که لحن و ملودی قطعات آن خراسانی و برگرفته از نغمات زادگاه آهنگساز آن است، صدیق تعریف برخلاف کارهای متعارف خود که بیشتر لحن و لهجه کردی دارد، به خواندن در سبک خراسانی روآورده و تجربه موفقی را پشت سر گذاشته است.

ماه عروس توسط گروه دستان اجرا شده که در هنگام ضبط این اثر اعضایش متفاوت از اعضای امروز بودند. قبل از انتشار ماه عروس گفته می‌شد که کامکارها در نواختن قطعات آن همکاری کرده‌اند که این خبر از سوی آنان تکذیب شد. ماه عروس را در قالب سی‌دی و نوار علاوه بر کارهای آهنگساز، شامل قطعات فولکلور و بومی منطقه خراسان است.

کمانچه‌نوازی

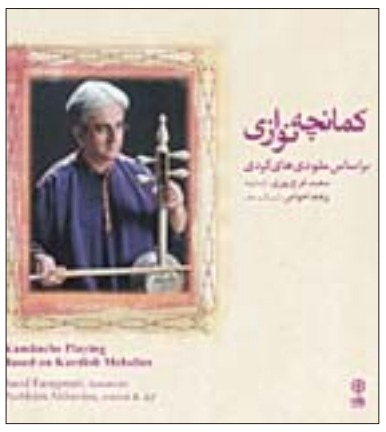

سعید فرج‌پوری نوازنده کمانچه و پژهام اخواص نوازنده دف و تنبک با دونوازی در اثری به نام «کمانچه‌نوازی» به خلق دوباره ملودی‌های کردی پرداخته‌اند. این اثر پیش از نوروز توسط نشر ماهور منتشر شد.

سعید فرج‌پوری در سال‌های گذشته اجراهای به یاد ماندنی‌ای را همراه با گروه دستان داشته است که از آثار دیگر او می‌توان به کتاب بیست قطعه برای کمانچه و سی‌دی تکنوازی کمانچه و در بخش موسیقی کردی به سی‌دی‌های آوات، زمانه، ژوان و یادواره سیدعلی اصغر کردستانی اشاره کرد. پژهام اخواص را نیز پیش از این در کنسرت‌های شهرام ناظری دیده بودیم. او متولد ۱۳۵۹ است و تاکنون با هنرمندانی چون حسن کسایی، محمدعلی کیانی‌نژاد، علی‌اکبر مرادی، مسعود شعاری و مجید درخشانی همکاری داشته و آخرین اثر منتشر شده او «رها» نام دارد. «کمانچه‌نوازی» بعد از گشت و گذار سعید فرج‌پوری در کوچه پس کوچه‌های سنندج و یادآوری خاطرات تلخ و شیرین کودکی شکل گرفته است. هنگامی که او از محله‌های پرخاطره سال‌های گذشته عبور می‌کرد و زیر لب نغمه‌های کردی را می‌خواند. بعد از بازگشت از این سفر فرج‌پوری بر آن شد که با جمع‌آوری و ساختن مقدمه‌ها و نغمه‌هایی که روایتی است از حال و هوای درونی او، آنها را ضبط کند. کمانچه‌نوازی شامل ۷ قطعه است.

نغمه‌های صلح

«نغمه‌های صلح» که شاید بتوان آن را در بین آثار پاپ کلاسیک طبقه‌بندی کرد، شامل قطعاتی است از شهریار کهن‌زاد برای ارکستر بزرگ که رهبری آن را لوریس چکناواریان به‌عهده داشته است. آثار این مجموعه به ۴ بخش تقسیم می‌شوند: و جنگ همچنان باقی است، بچه‌های جهان، شاهد عینی جنگ و سالار قلب من. در نغمه‌های صلح شهریار کهن‌زاد به زبان انگلیسی اشعاری را می‌خواند و همراه آن گیتار می‌نوازد. این اثر شامل ۱۹ قطعه است که از سوی شرکت آواخورشید به بازار آمده است.